

چکیده

هدف این پژوهش، مطالعه تطبیقی کاربرد طبقه بندی‌های بین‌المللی بیماری‌ها و راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی در مراکز روانپزشکی مستقر در تهران در سال ۱۳۸۰ بوده و به روش توصیفی انجام شده است.

اطلاعات از طریق پرسشنامه در بین پاسخگویان و به صورت حضوری توسط محقق گردآوری گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جامعه پژوهش را اساتید بالینی و کدگذاران شاغل در مراکز روانپزشکی وابسته به دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، ایران و شهید بهشتی تشکیل می‌دادند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت اساتید بالینی رشته روانپزشکی سومین اولویت را برای پرونده پزشکی بیماران (۸/۱۵٪) بعنوان یکی از منابع اطلاعاتی مورد استفاده قائل شده‌اند. همچنین مهمترین نیاز ایشان به پرونده‌های پزشکی، جهت ارائه خدمات درمانی (۶/۴۶٪) بوده است.

سایر یافته‌های این پژوهش عبارتند از:

- در ۷۵٪ از مراکز روانپزشکی مورد مطالعه کدگذاری اختلالات روانی انجام می‌شود. همچنین در اکثر این مراکز (۶/۶۶٪) از ICD-10 جهت کدگذاری پرونده‌های پزشکی استفاده شده است.

- اکثریت اساتید بالینی و کدگذاران نسبت به تجدید نظر و طبقه بندی اختلالات روانی نگرش مثبتی داشتند.

- اکثریت افراد مورد پژوهش موافق ایجاد طبقه بندی ملی اختلالات روانی

بودند.

- از دیدگاه اکثریت اساتید بالینی و کدگذاران کاربرد طبقه بندی‌های بین

المللی بیماری‌ها و راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی ضروری بوده است. همچنین ایشان موافق کاربرد طبقه‌بندی‌های مذکور بودند.

- نگرش اساتید بالینی در زمینه رفع نیازهای اطلاعاتی در نتیجه بکارگیری

DSM مثبت ارزیابی شده است. اما ایشان در زمینه رفع نیازهای اطلاعاتی خویش در نتیجه کاربرد طبقه‌بندی‌های بین‌المللی بیماری‌ها نگرش مثبتی نداشته‌اند.

- میزان آشنایی اساتید بالینی نسبت به طبقه‌بندی DSM زیاد اما در زمینه

طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها متوسط تا بسیار کم بوده است.

- میزان آگاهی کدگذاران در مراکز مورد بررسی نسبت به طبقه‌بندی DSM

کم اما در زمینه طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها متوسط تا زیاد بوده است.

- مهمترین علل کاربرد DSM از دیدگاه اساتید بالینی عوامل تسهیل قضاوت

بالینی و تسهیل امر طرح‌ریزی درمان و از دیدگاه کدگذاران جمع‌آوری و ارائه آمار

بهداشت روانی شناخته شد. همچنین مهمترین علل کاربرد طبقه‌بندی‌های بین‌المللی

بیماری‌ها از دیدگاه اساتید بالینی فراهم نمودن امکان مقایسه اختلالات روانی در

سطح بین‌المللی و از دیدگاه کدگذاران طبقه‌بندی صحیح بیماری‌ها و امکان بازیابی

سریع بوده است.

- مهمترین علل عدم کاربرد DSM از دیدگاه اساتید بالینی و کدگذاران «عدم

شناخت» شناخته شده است.

نتایج حاصل از تحقیق فوق بیانگر زمینه مساعد جهت ایجاد طبقه‌بندی ملی

اختلالات روانی جهت استفاده کدگذاران و روانپزشکان و سایر دست‌اندرکاران

بهداشت روان است. بدین منظور پیشنهاد می‌شود تا با استفاده از کادر تخصصی و

با تجربه نسبت به ایجاد طبقه‌بندی ملی اختلالات روانی اقدام لازم بعمل آید.